



Examining and criticizing the opinions of opponents of population increase from the verses and hadiths indicating generation limitation

Fatemeh Mohamadi babzeydi¹ | SeyedMojtaba Mirdamadi²  | Rasul Mohamadjafari³

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.67.1.2

Research Paper

Received:
10 August 2023

Revised:
04 February 2024

Accepted:
12 March 2024

Published:
12 February 2024

P.P: 11-34

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Population is one of the strategic elements of countries and is one of the most important sources of national power and the source of increasing political influence among international communities. Those believe in the theory of generational limitation have been affected by the atmosphere of the community and in a period when the population in Iran grew a lot and governments were seeking to adopt population control policies, they used religious thoughts for confirming these policies.

This research was performed by using library sources and descriptive-analytical method to examine and criticize the perceptions of the opponents of population increase from the verses and narrations of generation limitation. The findings demonstrated that the opponents of population increase believe that Quran contains verses, although not directly related to population control, lead to family planning, we can say. Investigations showed that the verses have been interpreted incorrectly and incompletely, and they deserve criticism. Opponents of population increase have also referred to narrations to prove the limitation of generation. The examination of the documents and the content of the narrations showed that the documents of some narrations are weak while some are correct. Assuming the completeness and authenticity of all the documents, they are incorrect interpretations of the narrations.

Keywords: Procreation, generation limitation, opponents of population increase, verses, narrations.

1. PhD student in Theology and Islamic Studies/Quran and Hadith Sciences, South Tehran branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. Mirdamadi_77@ut.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shahid University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Mohamadi babzeydi' F; Mirdamadi' M & Mohamadjafari' R. Examining and criticizing the opinions of opponents of population increase from the verses and hadiths indicating generation limitation *The Women and Families Cultural-Educational*, 67(2), 11-34.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors





بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات و روایات دال بر تحدید نسل

۶۷

سال نوزدهم
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

صص: ۳۶-۱۱

شابا جایی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



فاطمه محمدی بابازیدی^۱ | سید مجتبی میردامادی^۲ | رسول محمدجعفری^۳

چکیده

جمعیت، یکی از مولفه‌های راهبردی هر کشوری به شمار می‌آید و یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی و منشا افزایش نفوذ سیاسی در بین جوامع بین‌المللی است. قائلان نظریه تحدید نسل متأثر از فضای جامعه قرار گرفته و در دوره‌ای که جمعیت در ایران رشد فراوانی یافت و دولت‌های مستقر در پی اتخاذ سیاست‌های کنترل جمعیت برآمدند، آنان از آموزه‌های دینی برای تأیید این سیاست‌ها بهره گرفتند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات و روایات تحدید نسل برآمده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن داشت که مخالفان افزایش جمعیت معتقدند در قرآن آیاتی وجود دارد که اگر چه ارتباط مستقیم با کنترل جمعیت ندارد، اما به طور قهری به نوعی به تنظیم خانواده منجر می‌شود. با بررسی‌های انجام شده روشن گردید که برداشت‌های صورت گرفته از آیات، نادرست و ناتمام هستند و به آن‌ها نقد وارد است. مخالفان افزایش جمعیت همچنین به روایاتی برای اثبات تحدید نسل استشهد کرده‌اند، بررسی اسناد و محتوای روایات نشان داد که اسناد برخی روایات ضعیف و اسناد برخی روایات صحیح هستند، بر فرض تمامیت و صحت همه اسناد، برداشت‌هایی عرضه شده از روایات نادرست هستند.

کلید واژه‌ها: فرزندآوری، تحدید نسل، مخالفان افزایش جمعیت، آیات، روایات.

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی / علوم قرآن و حدیث، واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Mirdamadi_77@ut.ac.ir
۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

استناد: بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات و روایات دال بر تحدید نسل؛ فرهنگی - تربیتی

زنان و خانواده، ۶۷(۲)، ۳۴-۱۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.67.1.2

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

موضوع جمعیت، یکی از مهم‌ترین مباحث توسعه اقتصادی و راهبردهای مرتبط با آن است. کارشناسان اقتصادی، معتقدند با به کارگیری مناسب منابع توسعه و ترکیب سرمایه و زیرساخت‌ها، جمعیت، می‌تواند عاملی برای رشد کشورها باشد. فرزندآوری، مهمترین هدف و کارکرد خانواده است (شیرینی زنجانی، ۱۳۸۲: ۲۳ / ۸۸-۷۳) و اهمیت این کارکرد، به اندازه‌ای است که برخی مردم‌شناسان، ماهیت خانواده را منحصر در همین امر دانسته‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳ / ۷۸). با استناد به سرشماری‌های انجام شده در ایران از سال ۱۳۸۵ به بعد، به دلایل گوناگونی میزان باروری و به تبع آن رشد جمعیت کشور، دستخوش تغییرات منفی نسبت به گذشته شده است، و سیاستی که با نام «تنظیم خانواده» در جامعه ایرانی اجرا شد، موجب کاهش نرخ جمعیت گردید (درگاه ملی آمار، ۱۴۰۰). این سیاست مورد انتقاد بسیاری از بزرگان و کارشناسان نظام اسلامی قرار گرفت. با توجه به نقش جمعیت در توسعه هر کشور و با عنایت به اختلاف نظری که در مسئله جمعیت، میان نظریه‌پردازان اسلامی وجود دارد و برداشت‌های متفاوتی که از آیات و روایات، نسبت به مسئله کنترل جمعیت وجود دارد و با توجه به اینکه در نظام حقوقی مبتنی بر قوانین و احکام اسلامی، برای به دست آوردن حکم هر موضوع، اعم از علمی، اقتصادی و اجتماعی و غیره، باید در قدم اول به منابع اصلی استنباط احکام الهی در قرآن و روایات رجوع کرد (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۶۲). ضروری است آیات و روایات مرتبط با جمعیت، به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

مخالفان افزایش جمعیت، به دلیل فقر در دنیا و وجود خطرات متعدد فزونی جمعیت برای خانواده‌ها، به کنترل جمعیت و کاهش فرزند باور دارند. گویی مخالفان افزایش جمعیت، به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه بیش از موافقان، توجه نشان داده‌اند. این در حالی است که با عنایت به سند سیاست‌های کلی خانواده که در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده و سند راهبردی و ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری در جهت پیشگیری از سست شدن بنیان خانواده محسوب می‌شود، می‌توان بر این مطلب رهنمون شد که رشد جمعیت و افزایش نرخ باروری در اقتصاد و قدرت ملی با توجه به اهداف کلان انقلاب اسلامی، امری ضروری است (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵: ۱۱۹). این مسئله از زوایای مختلف و در ابعاد گوناگون، قرآنی، حدیثی، پزشکی،

اقتصادی، فقهی و جمعیت‌شناسی، امکان پذیر است اما در این نوشتار، ابتدا اسناد روایات مخالف تحدید فرزندآوری بررسی گردیده است، سپس به بررسی محتوای روایات پرداخته شده است که در این رابطه مهم‌ترین معیارهای بررسی و نقد محتوایی عبارتند از قرآن، سنت قطعی، عقل، ضروریات دین و تاریخ علمی (مسعودی، ۱۳۹۶: ۲۳).

در باب فرزندآوری و نقد دیدگاه مخالفان تحدید موالید، مقالات محدودی نگاشته شده است؛ ترکاشوند (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به بررسی تطبیقی ادله برون دینی و درون دینی در مورد افزایش جمعیت با تشریح آیات و روایات پرداخته است و مبانی نظری مخالفان جمعیت را مورد نقد قرار داده است و مقالات دیگر نیز در مقام پاسخ‌گویی به مخالفان برنیامده‌اند بلکه در گوشه‌ایی از مقاله پس از اثبات ضرورت فرزندآوری به صورت محدود به این مهم اشاره کرده‌اند. لذا ضرورت دارد آیات و روایات مورد استناد مخالفان افزایش جمعیت بررسی و ارزیابی گردد، از این روی، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات و روایات دال بر تحدید نسل چگونه است؟

سوالات این پژوهش عبارت است از:

- ۱- روایات مخالف فرزندآوری ما را به چه مفهومی رهنمون می‌سازد؟
- ۲- روایات مخالف فرزندآوری چه مقدار اعتبار دارد؟
- ۳- از تحلیل مبانی برخواسته از آیات و روایات مخالف فرزندآوری چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

روش پژوهش

دستیابی به هدف‌های علم به شناخت علمی میسر نخواهد بود مگر زمانی که با روش‌شناسی درست صورت پذیرد، به عبارت دیگر تحقیق از حیث موضوع تحقیق، اعتبار نمی‌گیرد، بلکه از حیث روش است که اعتبار می‌گیرد (خاکی، ۱۳۸۸: ۱۵۵). تحقیق، مجموعه فعالیت‌های منظمی است که هدف آن کشف حقیقت یا رسیدن از علم اندک به علم بیشتر است (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۶). رسالت اصلی تحقیق و به کارگیری روش‌ها برای انجام آن، نظریه‌سازی است. تحقیقات علمی بر اساس دو مبنا یعنی هدف و ماهیت و روش، تقسیم‌بندی می‌شوند. براساس هدف، تحقیقات علمی به سه گروه

بنیادی، کاربردی و عملی تقسیم می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۵۱). تحقیق حاضر براساس هدف بنیادی است. تحقیقات بنیادی به کشف قوانین و اصول علمی می‌پردازد و درصدد توسعه مجموعه دانسته‌های موجود درباره اصول و قوانین علمی است (بازرگان و دیگران، ۱۳۷۶: ۷۹).

تحقیقات علمی براساس ماهیت و روش (تاریخی، توصیفی، همبستگی، تجربی، علی) تقسیم می‌شوند. تحقیق توصیفی، شامل روش‌هایی است که برای توصیف نظام‌مند موقعیت یا مبحث مورد علاقه به صورت دقیق استفاده می‌شود (محمودی، ۱۳۸۷: ۶۰). در پژوهش توصیفی به معنای اخص آن الزاما در پی کشف و توضیح روابط، همبستگی‌ها و احتمالا آزمودن فرضیه‌ها و پیش‌بینی رویدادها نیست، بلکه توجه بیشتر در جهت توصیف کردن و گزارش نویسی از موقعیت‌ها و وقایع براساس اطلاعاتی است که صرفا جنبه توصیفی دارند (نادری، ۱۳۸۹: ۴۰). تحقیقات توصیفی به دو نوع تحقیق توصیفی محض و تحقیق توصیفی-تحلیلی تقسیم می‌شوند که در تحقیق توصیفی تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد (بازرگان و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۲).

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسناد صورت گرفته است. با استفاده از روش مذکور، آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع) که مرتبط تحدید نسل هستند استخراج شده‌اند؛ برای تبیین آیات قرآن از تفاسیری چون: تفسیر المیزان و تفسیر نمونه بهره‌برداری گردیده و برای احصاء و تبیین روایات معصومان (ع) از کتاب‌های حدیثی مانند: کافی و بحارالانوار استفاده شده است. آن‌گاه با توجه به سؤال تحقیق، آیات تحلیل گردیده‌اند، اسناد روایات بررسی شده و محتوای آن‌ها تحلیل گردیده و برداشت‌های موافقان تحدید نسل از آیات و روایات نقد شده است. براساس آنچه که بیان شد، مراحل انجام پژوهش حاضر، به شرح ذیل بوده است: ۱- مطالعه چارچوب نظری تحقیق، ۲- جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات و روایات مرتبط با تحدید نسل و دیدگاه‌های موافقان تحدید نسل، ۳- تحلیل آیات و روایات و دیدگاه‌های موافقان تحدید نسل، ۴- پاسخ به پرسش‌های تحقیق، ۵- بحث و نتیجه‌گیری.

یافته‌های پژوهش

۱- بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات دال بر تحدید نسل

مخالفان افزایش جمعیت معتقدند در قرآن آیه‌ای وجود دارد که اگر چه ارتباط مستقیم با کنترل جمعیت ندارند، به طور قهری به نوعی به تنظیم خانواده منجر می‌شود که آیات در ذیل دسته بندی شده‌اند:

۱-۱- فتنه بودن فرزندان

مخالفان افزایش جمعیت بر این باورند که براساس آیه ۲۸ سوره انفال، فرزندان فتنه هستند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (الانفال: ۲۸): «و بدانید اموال و فرزندان شما، وسیله آزمایش است؛ و پاداش عظیمی نزد خداست»، با توجه به فتنه‌انگیز بودن فرزند، مزیت کاهش جمعیت از این آیه قابل برداشت است.

نقد برداشت‌ها: فتنه در قرآن ۵ معنا دارد: ۱- شکنجه دادن (البروج: ۱۰)، ۲- عذاب الهی (الانفال: ۲۵)، ۳- مصیبت (الحج: ۱۱)، ۴- فساد کبیر (الانفال: ۷۳)، ۵- آزمایش و امتحان (التغابن: ۱۵). راغب اصفهانی در المفردات در تبیین معنای لغوی فتنه نوشته است: وقتی طلا را در آتش می‌نهند تا خوبی و بدی و عیار آن مشخص گردد، به این کار، فتنه گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق: ۱/ ۳۷۱). درباره فتنه نامیدن مال و فرزند در آیه دو احتمال مطرح است: ۱- فتنه به معنای آزمون است؛ یعنی این‌ها محور امتحان هستند، ۲- فتنه به معنای ترفند. ظاهراً فتنه در این گونه موارد به معنای آزمون است. اضافه اموال و اولاد به ضمیر «کم» در «أَمْوَالُكُمْ و أَوْلَادُكُمْ» به این معناست که وابستگی و دلبستگی انسان به این‌ها خاستگاه فتنه و مذموم است، و نفس مال و فرزند، فتنه نیستند. در ادبیات فارسی، تمثیلی است که اگر مال بیرون دل باشد، در حکم آبی است که پشتوانه کشتی است و آن را جابجا می‌کند و چنانچه مال به درون دل راه پیدا کند، مانند آبی است که وارد کشتی می‌شود و سبب نابودی است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۲/ ۳۳۴).

بنابراین اموال و فرزندان مایه آزمایش شما هستند و این آزمایش، می‌تواند منشأ خیر و برکت باشد و می‌تواند منشأ سقوط انسان باشد. در نتیجه آدمی به وسیله فرزند، امتحان می‌شود و وقتی که امر، دایر است میان اجابت خواسته فرزند و همسر و اجابت خواسته خداوند، تراحم پیش می‌آید پس

آیه شریفه در مقام بیان مذمت تکاثر اولاد نیست بلکه خداوند، مردم را تا جایی که فرزند، سبب انحراف والدین و غفلت از یاد خدا می‌شود نهی فرموده است بنابراین در مقام بیان توجه انسان در هر مرحله‌ای از زندگی به مسیر تکامل و رشد و قرب خداوند است و از توجه به جاذبه‌ی کورکننده‌ای که در فرزند نهفته است برحذر داشته است. حال اگر فرزند در مسیر بندگی و طاعات خداوند باشد می‌تواند وارث و یاری رسان انسان در امور دنیوی و اخروی باشد، از این روی است که زکریا(ع) در سنّ پیری از خداوند می‌خواهد بدون وارث نباشد و فرزندى عنایت فرماید که وارث او و خاندان یعقوب(ع) قرار گیرد و خداوند نیز دعای او را به اجابت می‌رساند و یحیی(ع) را که فرزند تقوا پیشه، نیکوکار و مهربان با والدین است متولد می‌کند(مریم: ۱۵-۲).

۱-۲- اصل پرهیز از اسراف

برداشت‌های مخالفان: مخالفان افزایش جمعیت براساس مفاد آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱) که مشتمل است بر این که انسان در استفاده از توانایی‌ها و نعمت‌های طبیعی، نباید از حد اعتدال عبور کند، وظیفه دارد بر اصل پرهیز از اسراف اتکا کرده و دلیل‌های قرآنی موافقان افزایش جمعیت را مردود می‌شمارد. زیرا مازاد بر نیاز و ظرفیت‌های شخصی و اجتماعی در هر موردی زیان آفرین است و از سوی آفریننده هستی نیز نکوهش شده است(رهبری، ۱۳۸۱: ۵۷).

نقد برداشت‌ها: این برداشت نادرست است؛ زیرا اولاً، این آیه در خصوص بهره‌گیری از نعمت‌هایی است که در اختیار انسان‌ها است و باید در آن رعایت اعتدال کنند، این آیه هیچ ارتباطی با مسئله فرزندآوری ندارد. برخورداری از فرزند، موهبتی است که از جانب خداوند به بنده عنایت می‌شود، در شیوه مواجهه با فرزند است که باید رعایت اعتدال نمود و نه در اصل فرزندآوری، ثانیاً، چنان که اهل تحقیق گفته‌اند: در مسئله فرزندآوری چون سیره متشرعه داریم حتی سیره عقلا هم نمی‌تواند مبنا باشد و عرف عقلا را زمانی می‌پذیریم که روایت و سیره متشرعه نداشته باشیم اما سیره عقلا، حتی بر فرض جریان داشتن میان عقلای عالم باز هم احتمال دارد که شارع آن را قبول نداشته باشد و رد کند(صدر، بی تا: ۲۳۸/۹) و در صورتی معتبر است که دلیل شرعی مخالف آن را نداشته باشیم. یکی از منابع دین اسلام، سیره عملی اهل بیت(ع) است که سیره این بزرگواران بر تکثیر جمعیت و مطلوب بودن تکثیر موالید بوده است.

۱-۳- اصل قاعده یسر و تخفیف

مخالفان افزایش جمعیت براساس آیه ۱۸۵ سوره بقره: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»: «خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را» معتقدند که خداوند راحتی بندگان را می‌خواهد و قطعاً تنظیم خانواده و کمی فرزندان، موجب راحتی بوده و اصل یسر (آسانی) در این برنامه اجرا می‌شود (علایی نوین، آل رسول، ۱۳۹۳: ۱۵۱). امروزه با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جهان و دشواری‌های ویژه زندگانی تربیتی، بهداشتی و محیط زیستی و... بسیاری فرزند، افزون بر پدر و مادر و محیط خانواده بر کل جامعه، دولت و ملت آسیب می‌زند و دشواری‌های بسیاری را پدید می‌آورد که جز به وابستگی و به بن‌بست کشاندن برنامه‌ها و سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای، نتیجه‌ای برای کشور به بار نخواهد آورد. این بزرگ‌ترین عسر و حرجی است که نظام ما را تهدید می‌کند (رهبری، ۱۳۸۱: ۵۹). «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». (البقره: ۱۸۵) «خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را».

نقد برداشت‌ها: تعریف فقها از عسر و حرج عبارتست از عسر و حرجی که باعث مشقت شدید باشد که مردم عادتاً نمی‌توانند آن را تحمل کنند (صدر، ۱۴۰۳: ۷۰۰؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸: ۱۵۶). یعنی صرف سخت بودن آن باعث دست کشیدن از یک امر نمی‌شود چنان که فقها (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷؛ خمینی ۱۳۷۶: ۳/۱۳۰) به این امر، طبق قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» تصریح کرده‌اند که عسر و حرج نمی‌تواند مجوز ترک کامل تولید مثل باشد چرا که حفظ مملکت اسلامی و ملت ممکن نمی‌شود مگر به واسطه حفظ نسل بشر از اضمحلال و تکثیر آن (جعفریان، ۱۴۲۸: ۱/۱۹۹). بنابراین سختی یک عمل، منافاتی با استحباب آن ندارد مانند خیلی از اعمال که در شرع مقدس، مورد تأکید واقع شده و در عین حال، انجام آن مشقت دارد به عنوان نمونه، قرآن درباره سختی نماز می‌فرماید: «الْكَبِيرَةُ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقره: ۴۴). کبیره به معنای بزرگ است و اگر در آیه به سنگین ترجمه شده از باب ملازمه بین بزرگی و سنگینی است. سپس این کلمه به هرچه بر نفس، سخت و گران است، گفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱/۱۵۹). پس خواندن نماز علاوه بر مشقتش، فواید زیاد دنیوی (عنکبوت: ۴۵) و اخروی (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۱) دارد. آیا می‌توان گفت که نماز امری مذموم است؟ در نتیجه آیه در مقام بیان سختی نماز است نه مذمت نماز. بنابراین هیچ تعارضی بین سختی امر فرزندآوری و استحباب و ممدوح بودن آن وجود ندارد. در همین رابطه

می‌توان به این روایت معتبر با بیان اینکه «بهترین اعمال آنهایی است که خلاف هوای نفس باشد» (سید رضی، ۱۳۸۷: ۷۹۲) هر عمل دشواری موجب مذمت نیست بلکه در مواردی هم، موجبات فضیلت آن عمل خواهد بود. در طبیعت این دنیا سختی و دشواری‌هایی نهفته شده است برای رشد و کمال انسان ضرورت دارد، وجود فرزندان در کانون خانواده از بهترین ابزارهای وصول به اهداف خلقت و تعالی انسان است.

۱-۴- اصل مصلحت و حکمت در پدیده‌ها

به باور مخالفان افزایش جمعیت، جامعه انسانی اگر بخواهد سالم زندگی کند باید به اصل قرآنی رعایت اندازه و مقدار در هر چیز ملتزم باشد: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹): «البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم»، و این اصل را در تمام نهادهای اجتماعی حاکم سازد: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»: (طلاق: ۳): «و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است» آیات مذکور، جملگی حاکی از وجود حد و مرز و حساب و کتابی در آفریده‌های خداوندی است و آیات بسیاری براساس خواست الهی و نظام‌مندی جهان هستی از آن حدود و اندازه فراتر نمی‌روند و در نمی‌گذرند (رهبری، ۱۳۸۱: ۵۶).

نقد برداشت‌ها: تفسیر و تطبیق صورت گرفته از آیات کاملاً نادرست و بلکه نوعی تفسیر به رأی محسوب می‌گردد، توضیح آن که قدر در هر دو آیه به خداوند استناد داده شده است و تقدیر خداوند را نباید همسنگ تقدیر و اندازه بشری دانست، علامه طباطبایی در تبیین آیه ۴۹ سوره قمر نوشته است: بین کارهای ما و کارهای خداوند فرق است، افعال ما تابع قواعدی کلی و ضوابطی عمومی است، که از وجود خارجی انتزاع می‌شود و اما افعال خدای تعالی این‌طور نیست، پس از آنکه خدا عالمی آفرید و نظامی در آن جاری ساخت ما از آن نظام، قوانینی کلی اتخاذ می‌کنیم، پس قوانین ما بعد از فعل خدا و محکوم به حکم خدا است، نه اینکه آن ضوابط و قوانین حاکم بر فعل خدا، و جلوتر از آن باشد، یکی از قدرها که در انسان معین شده این است که خداوند او را نوعی کثیر الافراد خلق کرده، طوری خلق کرده که با ازدواج و تناسل، افرادش زیاد شود و نیز مجبور باشد در زندگی، اجتماعی زندگی کند و از دنیای ناپایدارش برای آخرت پایدارش زاد و توشه جمع کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۴۲-۱۴۰).

۱-۵- مذموم بودن تکاثر

مخالفان افزایش جمعیت معتقدند قرآن نه تنها دعوتی به افزایش شمار فرزندان ندارد و ستایشی نیز از آن نکرده است، بلکه تفاخر مذموم به فرزندان دیده می‌شود که سخن جاهلانه گروه‌های غیر توحیدی است (رهبری، ۱۳۸۱: ۵۰). در سوره تکاثر آمده است: «الْهَنَکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر: ۲): «افزون طلبی، شما را به خود مشغول داشته است تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید». مفسران معتقدند که این سوره درباره قبائلی نازل شد که بر یکدیگر تفاخر می‌کردند و با کثرت نفرت و جمعیت یا اموال و ثروت خود بر آنها مباحث می‌نمودند تا آنجا که برای بالا بردن آمار نفرت قبیله به گورستان می‌رفتند و قبرهای مردگان هر قبیله را می‌شمردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/ ۲۷۵). این برداشت نیز نادرست است، زیرا اولاً، این آیه درباره مشرکان است و نمی‌توان به جامعه اسلامی تعمیم داد، ثانیاً، به طور کلی، تکاثری مذموم است که هدف از فرزندآوری، فخرفروشی بر دیگران باشد و غفلت از یاد خدا را در پی داشته باشد، در غیر این صورت تکثیر فرزندان موحد، مطلوب شارع مقدس و امری پسندیده است، چنان‌که پیامبر (ص) به فزونی امتش مباحث کرده است (کلینی، ۱۳۸۹ق: ۵/ ۳۲۹) این مباحث به فزونی امتشان در حقیقت، مباحث به فزونی معتقدان به توحید و قائلان به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بوده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۳/ ۳۸۲).

۱-۶- متقی بودن فرزندان، ناظر به قلت فرزندآوری

به باور مخالفان، افزایش جمعیت در بعضی آیات منوط بر صالح و متقی شدن فرزندان است؛ در آیه ۱۸۹ سوره اعراف سخن از درخواست فرزندی صالح است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلَتْ حَمَلاً خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (الاعراف: ۱۸۹): «او خدایی است که شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرارداد تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند خواستند اگر فرزند شایسته‌ای به ما دهی، از شاکران خواهیم بود». همچنین زکریا (ع) از خداوند فرزندی پاکیزه را درخواست می‌کند: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸): «در آنجا بود که زکریا پروردگار خویش را خواند و گفت پروردگارا از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا فرما که تو دعا را می‌شنوی». بنابراین مطلق

طلب فرزند، فضیلت نیست و تنها در صورتی باید در پی افزایش جمعیت بود که نسلی، تقوا پیشه و پاکیزه به عمل آیند و چون با تکثیر نسل امکان تربیت فرزندان صالح کاهش می‌یابد، باید در پی افزایش کیفیت فرزند بود.

نقد برداشت‌ها: این برداشت و نتیجه حاصل از آن نادرست است؛ زیرا اولاً، تأکید بر متقی بودن فرزندان در قرآن، ناظر بر اهمیت نظارت و تربیت صحیح و توحیدی فرزندان است و نقش اهتمام والدین به تربیت و رعایت ظرایف و نکات اخلاقی و اجتماعی را نشان می‌دهد و ارتباطی با تحدید نسل ندارد (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۱۵/۱)، ثانیاً، در هر نعمتی قابلیت شرّ و خیر وجود دارد؛ رزق، سلامتی، قدرت، همسر، فرزند و غیره، می‌تواند سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند و می‌تواند شقاوت دنیا و آخرت را موجب گردد؛ نمرود و فرعون با نعمت حکمرانی سرکشی کردند و یوسف (ع) و سلیمان (ع) با این نعمت، بندگی خدا کرده و بندگان به عبودیت رهنمون گردیدند. قارون با ثروتش به هلاکت رسید و خدیجه (س) موجب اعتلای اسلام گردید. فرزند نیز چنین است، خداوند به ابراهیم (ع) به رغم وجود اسماعیل (ع)، اسحاق (ع) را در سنین پیری می‌بخشاید تا تمام پیامبران پس از ابراهیم (ع) به این دو فرزند منتهی گردند، ثالثاً، در قرآن، دعای بندگان خداوند رحمان چنین آمده است: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان: ۷۴): «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان، مایه روشنی چشم ما قرار ده»، در این دعای قرآنی: «ذُرِّيَّتِنَا» (فرزندانمان) به صورت جمع آمده است و به روشنی دلالت دارد که در دعا باید طلب فرزندان کرد که مایه چشم روشنی هستند و به یکی دو فرزند بسنده نکرد.

۱-۷- شیر دادن مادران

مخالفان افزایش جمعیت از آیه ۲۲۳ سوره بقره، به طور ضمنی سه نکته اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای کنترل جمعیت استفاده کرده‌اند، متن آیه چنین است: ۱- آیه فرموده مادران دو سال، فرزندان خود را شیر دهند این در حالی است که شانس بارداری مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند در مقایسه با مادرانی که خوراکی جایگزین به جای شیر مادر استفاده می‌کنند کمتر است، زیرا در مادران شیرده طول مدت قاعدگی و متوقف شدن تخمک گذاری طولانی است و این امر مانع بارداری است. تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که نزد مادران شیرده تقریباً معادل چهل درصد از میزان بارداری کاسته شده است (کلانتری، ۱۳۷۸: ۱۴۰). ۲- این که آیه فرموده: مادر، در

نگهداری فرزند نباید به زیان افتد، اشاره به قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» دارد و به این نکته توجه دارد که پدر بایستی توانایی کافی برای زندگی فرزندان خود را، دارا باشد و این امر فقط با داشتن فرزندان کم میسر خواهد بود (کتابی، ۱۳۷۰: ۲۶). ۳- آیه اشاره به اصل «منع تکلیف مالایطاق» دارد و تعداد فرزندان باید به حدی باشد که خارج از توان مالی پدر و مادر نباشد و باید بین درآمد خانواده و آسایش آنان یک رابطه عقلایی و منطقی وجود داشته باشد (کتابی، ۱۳۷۰: ۲۶). برداشت‌های صورت گرفته از آیه نادرست هستند، به ترتیب پاسخ هر یک از اشکالات بیان می‌گردد:

۱- عدم امکان بارداری در دوران شیردهی هیچ ارتباطی با کاهش جمعیت ندارد، زیرا در مدتی که مادر به فرزند خود شیر می‌دهد، از سویی تغذیه نوزاد را عهده‌دار است و از سویی دیگر در این مدت بدن برای بارداری بعدی آماده می‌گردد. علاوه بر آن، مراد از افزایش جمعیت، اجبار مادر به بارداری هر ساله یا دو سال یکبار نیست تا با آیه محل بحث، منافات داشته باشد.

۲- اگر بین ضرر اهم و مهم تراحم باشد در مقام رفع تراحم، ترجیح با تقدم اهم بر مهم است (جمعی از محققان، ۱۳۸۹: ۶۱۳)، ضرر سالمند شدن جمعیت ایران، آثار سوء سیاسی- اقتصادی و اجتماعی کاهش جمعیت می‌باشد لذا بر مبنای قاعده‌ی لا ضرر، همگان باید به فرزندآوری تشویق شوند و سیاست‌های محدود کردن جمعیت، متوقف شود به علاوه این که در سطح کلان، تحدید نسل و عوارض سوء آن تضعیف نظام را به دنبال خواهد داشت که به عنوان ضرری اهم باشد (جمعی از مولفان، بی تا: ۵۴/۲۱). این جا ضرر، ضرر نوعی است و ضرر نوعی، اشد بر ضرر شخصی است قرآن کریم با نگاه واقع بینانه ضمن اذعان به سختی حمل و زایمان از بالا رفتن درجه زن و نائل شدن به مقام مادری سخن به میان آورده است، آن جا که می‌فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا» (الاحقاف: ۱۵) و «وَهَنَّا عَلٰی وَهْنٍ» (لقمان، ۱۴).

۳- وسع را به معنای امر مالایطاق گرفته است. وسع در آیه این است که در واقع حکم، حکم حرجی نیست و والده به واسطه فرزندش ضرری در رزق نبیند و مولود هم ضرری نبیند این معنایش عدالت در رزق و کسوت است نه تحدید موالید و این که در آیه می‌گوید دایه

بگیرید یعنی قرینه‌ای آورده دال بر این که مرد می‌تواند کمک بگیرد تا حرج از بین برود حال اگر منظور آیه، تحدید موالید باشد مسئله دایه آوردن برای کمک به زن را نمی‌آورد «اثبات شیئی نفی ما عداء نمی‌کند» و این بدان معناست که پذیرش وجود تکلف در فرزندآوری به معنای نفی فرزندآوری و عدم مطلوبیت فرزندآوری نیست.

به دو پاسخ اخیر باید اضافه کرد که در جمله «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» این نکات درخور توجه است: ۱- «لَا تُضَارُّ» مضاعف است، پس می‌تواند معلوم یا مجهول باشد، ۲- «لَا تُضَارُّ» از باب «مفاعله» به معنای «لَا تُضَرُّ» است؛ یعنی مادر شیرده به جهت فرزندش ضرر زده نشود، یا نباید مادر شیرده به فرزند خود ضرر بزند؛ یا به بهانه فرزند به شوهر خود زیان برساند، ۳- حرف «باء» در «بِوَلَدِهَا» و «بِوَلَدِهِ» برای «الصاق» یا «سببیت» است. با توجه به این نکات، بنابر معلوم بودن فعل «لَا تُضَارُّ» و معنای «الصاق» داشتن «باء»، متعلق ضرر، کودک است و معنایش این است: مادر شیرده و نیز پدر کودک نباید به کودک خود آسیب برسانند، چنان که بعضی از والدین به دلیل اختلاف با یکدیگر و از روی عصبانیت، پیش از طلاق یا پس از آن، مرتکب اعمالی می‌شوند که به کودک ضرر می‌رساند؛ ولی بنابر معنای «سببیت»، متعلق ضرر هر یک از والدین است و معنای «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» این است: مادر شیرده کودک نباید به سبب او به پدر کودک ضرر بزند و پدر کودک نباید به سبب فرزندش به مادر شیرده آسیب وارد کند، چنان که بعضی مادران به بهانه داشتن کودک، از کامجویی شوهر جلوگیری می‌کنند؛ یا برخی از مادران شیرده طلاق گرفته با اقدامات مخصوص به وسیله کودک به پدر او ضرر می‌زنند؛ یا برخی از پدران با سلب حق ارضاع مادران، با در اختیار قراردادن کودک، به مادران آنها آسیب می‌رسانند. براساس مجهول بودن فعل «لَا تُضَارُّ»، معنای «سببیت» برای حرف «باء» متعین است و معنایش این است: هیچ یک از والدین نباید به سبب کودک ضرر ببیند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۲/۳۸۲-۳۸۱).

۱-۸- عفت نفس

برداشت مخالفان: در آیه ۳۳ سوره نور خداوند به کسانی که امکان ازدواج ندارند، به پاکدامنی فرمان داده است: «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الْاٰدِیْنَ لَا یَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتّٰی یُعْغِیْبَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ «و کسانی که امکانی

برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند»، مخالفان افزایش جمعیت معتقدند: نتیجه قهری دستور به عفت نفس در صورت عدم استطاعت مالی برای ازدواج به نوعی برنامه‌ریزی برای کنترل جمعیت و تنظیم خانواده نیز می‌باشد (علایی نوین و آل رسول، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

تفسیر ارائه شده از آیه کاملاً نادرست است؛ توضیح آن که دستور به پاکدامنی پس از آیه ترغیب به ازدواج آمده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲): «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است». از آغاز سوره نور تا دو آیه ۳۲ و ۳۳ روش‌های مختلفی برای پیشگیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شده است، که هر یک از آن‌ها تأثیر به‌سزایی در پیشگیری یا مبارزه با این آلودگی‌ها دارد. در آیه ۳۲ به یکی دیگر از مهمترین راه‌های مبارزه با فحشا یعنی ازدواج ساده و آسان اشاره شده است؛ زیرا برای پرچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، لذا ابتدا می‌فرماید: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۴۵۷-۴۵۶) ولی از آنجا که گناه با تمام تلاشی که خود انسان و دیگران می‌کنند وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، مبادا کسانی در این مرحله قرار دارند گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنها مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلافاصله در آیه بعد دستور پارسایی را هر چند مشکل باشد به آنها داده می‌گوید: و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد: «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الدِّينِ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (همان، ۴۵۹-۴۵۸)، بنابراین برداشت ارائه شده کاملاً نادرست است و فضای آیه ارتباطی با مسئله کنترل جمعیت ندارد و تنها به شرایطی اشاره دارد که فرد به ازدواج قادر نیست، به محض کنار رفتن موانع توصیه شرع به ازدواج و به تبع، فرزندآوری است.

جدول ۱. خلاصه بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از آیات دال بر تحدید نسل

آیات	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	نقد برداشت مخالفان افزایش جمعیت از آیات
«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (الأنفال: ۲۸)	فتنه بودن فرزندان	فتنه بودن فرزندان	فرزند، نعمت الهی است و خداوند انسان را از توجه به جاذبه کور کننده که در فرزند نهفته است بر حذر می‌دارد و تا جایی که فرزند سبب انحراف و غفلت از یاد خدا می‌شود، نهی فرموده است و آیه شریفه تناقضی با کثرت اولاد ندارد.
وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱)	۱- بهره‌گیری از نعمت‌ها در حد اعتدال ۲- استفاده از ظرفیت‌های شخصی و اجتماعی در حد نیاز ۳- اتکا بر پرهیز از اسراف	اصل پرهیز از اسراف	برخورداری از فرزند، موهبتی الهی است و در شیوه مواجهه با فرزندان است که باید اعتدال رعایت شود و نه در اصل فرزندآوری.
«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (البقره: ۱۸۵)	۱- کمی فرزند موجب راحتی است. ۲- کثرت اولاد بزرگ‌ترین عسر و حرجی است که نظام اسلامی را تهدید می‌نماید. ۳- کثرت فرزندان به دولت و ملت آسیب می‌زند.	اصل قاعده یسر و تخفیف	۱- سختی یک عمل، منافاتی با استحباب آن ندارد و در مواردی موجب فضیلت آن عمل نیز خواهد بود. ۲- عسر و حرج نمی‌تواند مجوز پیشگیری از تولید مثل باشد. ۳- حفظ مملکت اسلامی و ملت، ممکن نمی‌شود، مگر به واسطه حفظ نسل بشر از اضمحلال
«إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ»	۱- رعایت اندازه و	اصل مصلحت و	۱- تقدیر خداوند، هم سنگ

آیات	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	نقد برداشت مخالفان افزایش جمعیت از آیات
بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹) و «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳)	مقدار در هر چیزی ۲- اجرای آن در تمام نهادهای اجتماعی	حکمت در پدیده‌ها	تقدیر و اندازه بشر نیست. ۲- خداوند انسان را کثیرالافراد خلق نموده تا با ازدواج و تناسل افرادش زیاد شوند.
«اللَّهُمَّ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر: ۱ و ۲)	۱- افزایش فرزندان، سخن گروه‌های غیرتوحیدی ۲- افزایش فرزندان، تفاخر مذموم	مذموم بودن تفاخر	۱- آیه در رابطه به فزونی مشرکان است و نمی‌توان به جامعه اسلامی تعمیم داد. ۲- تکاثری که هدفش فخر فروشی باشد مذموم می‌باشد و گرنه فرزند موحد، علت مباهات پیامبر است.
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّيَا حَمَلًا خَفِيًّا فَامْرَأَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (الاعراف: ۱۸۹)	با تکثیر نسل، امکان تربیت صحیح فرزندان کاهش می‌یابد.	متقی بودن فرزندان ناظر به قلت فرزندآوری	تاکید بر متقی بودن، ناظر بر اهمیت و تربیت صحیح و توحیدی است و نقش اهتمام والدین بر تربیت فرزندان، و گرنه در هر نعمتی، قابلیت خیر و شر وجود دارد.
«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ	۱- شانس بارداری زنان شیرده به علت متوقف شدن تخمک گذاری ۴۰٪ کمتر است. ۲- اجرای قاعده لاضرر و لا ضرار در این مورد فقط با فرزند کمتر میسر می‌شود. ۳- منع تکلیف ما لا یطاق	شیر دادن مادر، ناظر به قلت فرزندآوری	۱- عدم امکان بارداری در دوران شیردهی هیچ ارتباطی با کاهش جمعیت ندارد و مراد از افزایش جمعیت، اجبار مادر به بارداری هر ساله یا دو سال یکبار نیست. ۲- در هنگام تراحم ضرر تهم و مهم، ترجیح با تقدم اهم است و بر مبنای سالمند شدن کشور و تضعیف نظام اسلامی،

آیات	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	نقد برداشت مخالفان افزایش جمعیت از آیات
مَثَلُ ذَلِكَ فِإِنْ أَرَادَا فَصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ» (البقره: ۲۳۳)			ضرر نوعی، اشد بر ضرر شخصی است. ۳- وسع در آیه به معنی امر مالایطاق نیست و معنایش عدالت در رزق و کسوت است و نه تحدید موالید و پذیرش وجود تکلف به معنی نفی فرزندآوری نمی‌باشد.
«وَلَيْسَتَعْطِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۳)	دستور به عفت نفس در صورت عدم استطاعت مالی در ازدواج یعنی برنامه‌ریزی برای کنترل جمعیت.	عفت نفس	فضای آیه ارتباطی به کنترل جمعیت ندارد و وقتی که فرد به ازدواج قادر نیست، به محض کنار رفتن موانع، توصیه به ازدواج و فرزندآوری است.

۲- نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از روایات دال بر تحدید نسل

۱-۲- روایات تطابقی (مصرحه) مخالف تولید نسل

۱-۱-۲- مصیبت بودن زیادی فرزند

از جمله روایاتی که موافقان تحدید نسل بدان استناد کرده‌اند این روایت است که فرمودند: «ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ وَغَلْبَةُ الدِّينِ وَدَوَامُ الْمَرَضِ» (الامدی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۳۳۱). سه چیز از بزرگترین بلاهاست، زیادی نان خوران، قرض انبوه و بیماری طولانی». ارزیابی سندی: حدیث، از لحاظ سندی مرسل و ضعیف است زیرا برای آن، سند ذکر نشده است (مامقانی ۱۳۸۵: ۱/۲۵۴).

ارزیابی متنی: برداشت ارائه شده از روایت صحیح نیست؛ زیرا اولاً، همان‌طور که گذشت «بلاء» چند معنا دارد و لزوماً بار معنایی منفی ندارد، همچنان‌که خداوند مؤمنان را با بلاء نیکو می‌آزماید: «لِيَلْبِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا» (أنفال: ۱۷) به علاوه روایت درصدد ارزش‌گذاری نیست و نمی‌خواهد

تعدد فرزندان را مورد خدشه و نکوهش قرار دهد. روایت در پی تبیین و توصیف واقعیت است؛ بدین معنا که تکثر فرزند به طور طبیعی باعث فزونی اشتغال خواهد شد و روشن است که هر مشغولیتی از جمله مورد اخیر مذموم نیست، همان‌طور که در ادامه حدیث، قرض فراوان و تداوم بیماری نیز آمده است، این موارد بویژه بیماری از کنترل انسان خارج است و گاه خداوند بنا بر حکمت و مصلحتی، فرد را به بیماری طولانی مبتلا می‌کند، ثانیاً، نه تنها اسلام بلکه تمام ادیان آسمانی، خصوصاً یهود (گروه تحقیقات علمی، ۱۳۶۹: ۷۹)، پیروان خود را به تکثیر جمعیت همراه با ایمان توصیه می‌کنند. (کتابی، ۱۳۶۴: ۷۹) و کنترل جمعیت بدون توجه به نیازها و بایدها و نبایدهای جامعه با فلسفه ازدواج تناقض دارد؛ این در حالی است که تکثیر اولاد در اسلام ذاتاً مطلوب است (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۷۶ - ۱۵۳) و به عنوان یکی از اصول مطرح است (نوری همدانی، ۱۳۸۲: ۲۴-۵۱). از نظر اصولی، ظاهر روایات در میان شیعه و سنی این است که افزایش جمعیت مسلمین مطلوب است به مقتضای «تَنَاقُحُوا تَنَاسُلُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» و امثال آن، دلیل روشنی است که افزایش نفوس، مطلوب شارع است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۵/ ۶۱). همان‌طور که در ابتدای بحث در ذیل معناشناسی بلا هم به این امر اشاره شد که اصل، افزایش جمعیت مطلوب می‌باشد، هرچند محل آزمون و آزمایش برای والدین باشد.

۲-۱-۲- نداشتن خیر در فرزند زیاد

دلیل دیگری که موافقان تحدید نسل از روایات بدان استناد کرده‌اند، روایتی است که از امام علی (ع) سؤال می‌شود خیر چیست؟ ایشان می‌فرماید: «أَيُّسَ الْخَيْرِ أَنْ يَكْتُرَ مَالُكَ وَ وَ لَدُكَ وَ لَكِنِ الْخَيْرُ أَنْ يَكْتُرَ عِلْمُكَ وَ عَمَلُكَ وَ أَنْ يَعْظَمَ حِلْمُكَ» (سیدرضی، ۱۳۸۷: ۷۵۴): «خیر آن نیست که مال و فرزندان زیاد باشد بلکه خیر آن است که علمت افزون و بردباریت بسیار باشد».

ارزیابی سندی: سند روایت، مرفوع محسوب می‌شود زیرا واسطه میان معصوم و راوی حذف شده است (مامقانی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۵۵). حدیث مرفوع نیز ضعیف می‌باشد.

ارزیابی متنی: مراد این روایت، نفی دیدگاه غالب در مسئله مال و فرزندان (نیروی انسانی) است که ارزش والا را در مال و فرزند خلاصه می‌کنند و شخصیت را برای کسانی قائل هستند که اموال بیشتری در اختیار دارند و ثروت آنان زیاد و نفرات آنان نیز فراوان است. به تعبیر دیگر، تنها از

جنبه‌های مادی و دنیوی به مال و فرزند نگاه می‌کنند، اگر این مواهب در راه خدمت به خلق و جلب رضای خالق صرف شود آن هم مصداق خیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۲/۵۵۵)، همان‌طور که از امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نقل شده است: ستایش خداوندی را سزاست که شبم را به صبح آورد بی آنکه مرده یا بیمار باشم... نه بی فرزند و خاندان (سیدرضی، ۱۳۸۷: ۵۱۹)، این شکر، نشان دهنده اهمیت نسل و ازدیاد آن است، همچنین نقل شده است: «خداوند صلّه رحم را برای فراوانی خویشاوندان... و ترک لواط را برای فزونی فرزندان واجب فرمود» (سیدرضی، ۱۳۸۷: ۷۹۱). در روایت ذکر شده، صلّه رحم به این جهت مورد تشویق قرار گرفته است که موجب افزایش نسل می‌شود و فلسفه تحریم لواط را فزونی نسل، ذکر کرده است که دلالت قابل قبولی بر مطلوبیت شرعی ازدیاد نسل دارد.

۲-۱-۳- کم عیالی جزئی از راحتی

دلیل دیگری که موافقان تحدید نسل از روایات بدان استناد کرده‌اند این روایت است که فرمود: وَ رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ... «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۴/۴۱۶) « کمی نان خورها یکی از دو آسانی است». این روایت در نهج‌البلاغه از امام علی (ع) نیز نقل شده است (سیدرضی، ۱۳۸۷: ۷۶۰). از ظاهر این روایت برمی‌آید که یکی از روش‌های دستیابی به آسودگی و آسایش در زندگی، کمی تعداد اعضای خانواده اعم از همسر و فرزندان است.

ارزیابی سندی: در سند این روایت صفوان بن یحیی، ثقه (نجاشی، ۱۴۱۸ق: ۱۹۷) و از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۳۸۲ ش: ۵۵۶)، محمد بن ابی عمیر، امامی، ثقه و جلیل می‌باشد (نجاشی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۷)، و دارای شخصیتی برجسته و از بزرگان شیعه بوده که نزد موافق و مخالف، منزلت عظیمی داشته است (نجاشی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۸)، موسی بن بکر را اگرچه رجالیان پیشین به وثاقتش تصریح نکرده‌اند ولی به نظر می‌آید او مورد اعتماد دو نفر از مشایخ ثقات (ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی) بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۹۷)، از این رو ثقه و روایاتش مورد اعتماد است. زراره، عادل و مورد اعتماد شیعه بوده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۷۵؛ علامه حلی،

۱۴۱۷: ۱۵۱). با توجه به اتصال سند حدیث تا معصوم (ع) و وثاقت روایان آن، سند این روایت، صحیح است.

ارزیابی متنی: مفهوم برداشت شده از روایت نادرست است؛ مراد روایت یکی از دو احتمال ذیل است: ۱) تسلی خاطری است برای کسانی که فرزندان کمی دارند و از آن رنج می‌برند. درست مثل این که هرگاه کسی مرکبی نداشته باشد به او می‌گویند: نداشتن مرکب سبب آسودگی از هزینه‌های مختلف آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۳/۱۵۵)، این روایت، درصدد ارزش‌گذاری نیست بلکه بیان‌گر واقعیت است؛ پیامد طبیعی عیال‌آوری گسترده شدن اشتغالات فکری و کاری انسان است و این منافاتی با فضیلت فرزندآوری ندارد؛ همان‌طور که طبیعت تقوای پیشگی، تحمیل بر نفس و چشم‌پوشی از بسیاری لذت‌ها و خوشی‌ها است و این محدودیت‌ها مانع از پارسایی نیست و همان‌طور که دستیابی به مدارج علمی مستلزم تحمل رنج و دشواری‌های فراوان است.

مشابه سبک و مضمون روایت محل بحث در موضوعات دیگر نیز وارد شده است، برای نمونه درباره رنج سفر نقل گردیده است: «السَّفَرُ أَحَدُ الْعَذَابَيْنِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۸۷): «سفر یکی از دو عذاب است». این روایت در مقام یادآوری واقعیت موجود در اصل سفر است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۵/ ۳۰۹) بدون آن که در پی ارزش‌گذاری باشد، زیرا در آیات قرآن (محمد: ۱۰؛ انعام: ۱۱؛ غافر: ۸۲) و روایات (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۶۵) به سیر در زمین سفارش شده است، بنابراین آیا از نظر شارع، سفر امر مذمومی است؟ قطعاً چنین نیست. روایت مورد استناد نیز چنین بار معنایی را دارد.

۲-۱-۴- مطلوب دانستن فرزندان در حد کفاف

روایت دیگری که موافقان تحدید نسل بدان استناد کرده‌اند، این حدیث امام صادق (ع) است: «النَّوْفَلِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْعَقَافَ وَالْكَفَافَ وَارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَالْوَلَدَ» (کلینی، ۱۳۸۹ق: ۲/ ۱۴۰): «خداوند! به محمد و آل محمد و دوستان آنان، کفّ نفس و

بهره‌مندی در حد نیاز و به دشمنان آنان فزونی مال و فرزندان، عنایت فرما». طبق این دعای نقل شده از پیامبر (ص) آنچه برای اهل بیت (ع) و محبان آنان خواسته شده است اکتفا به ضرورت یا اعتدال در مال و فرزند و دیگر نیازمندی‌ها است و در مقابل دعای برای فزونی مال و فرزند برای دشمنان اهل بیت (ع) است، بنابراین می‌توان با استفاده از این روایت، تحدید نسل را استنتاج کرد.

ارزیابی سندی: حسین بن یزید نوفلی، امامی و ثقة است (خویی، ۱۴۱۳ق: ۳/ ۱۱۴-۱۱۳)، سکونی، عامی و ثقة است (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۳۱۶). با توجه به این که روایت را علی بن ابراهیم از پدرش از نوفلی از سکونی نقل کرده است و با عنایت به وثاقت تمام راویان و عامی بودن سکونی، سند روایت موثق به حساب می‌آید.

ارزیابی متنی: علامه مجلسی در تبیین روایت نوشته است که در این گونه روایات فزونی فرزند و مال در صورتی مذموم است که انسان را از یاد خدا و آخرت بازدارد، در صورتی که چنین نباشد و هدف طاعت خداوند و فزونی عبادت‌کنندگان خداوند باشد، نعمت الهی است که به هر کس صلاح بداند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸/ ۳۳۰)، مؤید این تبیین، روایات فراوانی است که به فرزندآوری توصیه شده است و نمونه‌هایی از آن گذشت.

در آیات قرآن نیز کثرت فرزندان یکی از نعمت‌های مهم الهی شمرده شده است؛ در داستان نوح (ع) آمده است که ایشان به جمعیت کافران زمان خود می‌گوید: «و گفتیم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد»؛ «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً * مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً * وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً (نوح: ۱۱-۱۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۳/ ۱۵۵). به طور کلی باید گفت که در افزایش جمعیت، آنچه اسلام به آن نظر دارد، رشد جمعیت صالحان است. خدای سبحان در حادثه غرق شدن فرزند ناهمگون حضرت نوح، درباره پی‌جویی نکردن از فرزندش به او فرمود: او عمل [فرزند] ناشایسته است (هود: ۴۶) (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

جدول ۲. خلاصه بررسی و نقد برداشت‌های مخالفان افزایش جمعیت از روایات دال بر تحدید نسل

نقد برداشت مخالفان افزایش جمعیت از روایات		برداشت مخالفان	روایات
ارزیابی متن	ارزیابی سندی	افزایش جمعیت از روایت	
روایت در پی تبیین واقعیت است و کثرت فرزند باعث فزونی اشتغال است و هر مشغولیتی مذموم نیست و تکثیر نسل در اسلام ذاتا مطلوب است .	مرسل و ضعیف	مصیبت بودن زیادی فرزند	« ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ وَ غَلْبَةُ الدِّينِ وَ دَوَامُ الْمَرَضِ » (الامدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۳۱/۱)
مراد روایت، دوری از نگرش مادی و دنیوی به فرزند است و اگر این مواهب در راه خدمت به خلق و جلب رضای خالق صرف شود، مصداق خیر است .	ضعیف و مرفوع	نبود خیر در فرزند زیاد	«لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَ وَ لَدُكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ عَمَلُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ» (سیدرضی، ۱۳۸۷: ۷۵۴)
پیامد طبیعی عیال آوری، گسترده شدن اشتغالات فکری و کاری است و منافاتی با فضیلت فرزندآوری ندارد و روایت در صدد ارزش‌گذاری نیست.	مسند و صحیح	کمی عیال، جزئی از راحتی	« قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ » (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۴ / ۴۱۶)
فزونی فرزند، بالذات مطلوب است و در صورتی مذموم شناخته شده که انسان را از یاد خدا باز دارد و روایت در مقام اهتمام والدین به تربیت فرزندان است و نه قلت فرزندآوری .	مسند و موثق	مطلوب دانستن فرزندان در حد کفاف	«اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعِفَافَ وَ الْكِفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَ الْوَالِدَ» (کلینی، ۱۳۸۹ ق: ۱۴۰ / ۲)

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت روشن گردید که مخالفان افزایش جمعیت به آیات و روایاتی جهت اثبات تحدید نسل از منظر اسلام استدلال کرده‌اند. مخالفان افزایش جمعیت معتقدند در قرآن آیاتی

وجود دارد که اگر چه ارتباط مستقیم با کنترل جمعیت ندارند، اما به طور قهری به نوعی به تنظیم خانواده منجر می‌شود، این آیات در محورهای ذیل بودند: ۱- فتنه بودن فرزندان، ۲- اصل پرهیز از اسراف، ۳- اصل قاعده یسر و تخفیف، ۵- اصل مصلحت و حکمت در پدیده‌ها، ۶- مذموم بودن تکاثر، ۷- شیر دادن مادران، ۸- عفت نفس. با بررسی‌های انجام شده روشن گردید که برداشت‌های صورت گرفته از آیات نادرست و ناتمام هستند و به آن‌ها نقد وارد است. مخالفان افزایش جمعیت همچنین به روایاتی برای اثبات تحدید نسل استشهد کرده‌اند، این روایات در چهار محور مطرح شد: ۱- مصیبت بودن زیادی فرزند، ۲- نداشتن خیر در فرزند زیاد، ۳- کم عیالی جزئی از راحتی، ۴- مطلوب دانستن فرزندان در حد کفاف. بررسی اسناد و محتوای روایات نشان داد که اسناد برخی روایات ضعیف و اسناد برخی روایات صحیح هستند، بر فرض تمامیت و صحت همه اسناد، برداشت‌های عرضه شده از روایات، نادرست هستند. به نظر می‌رسد قائلان نظریه تحدید نسل، متأثر فضای جامعه قرار گرفته و دولت‌های مستقر در پی اتخاذ سیاست‌های کنترل جمعیت برآمدند و از آموزه‌های دینی برای تأیید این سیاست‌ها بهره گرفتند.

با توجه به نتایج به دست آمده، راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تسهیل ازدواج جوانان، کاهش سن ازدواج.
- ۲- تبدیل مسئله به گفت‌وگو عمومی و ترویج فواید فرزندآوری و پیامدهای منفی کاهش نرخ باروری.
- ۳- توسعه آموزش از سنین پایین با تمرکز بر آموزش در مدارس و تبیین برکات ازدیاد نسل در خانواده.
- ۴- راهبرد ارباب می‌طلب که حکومت اسلامی از لحاظ کثرت و تعداد نفرات، قدرتی همه‌جانبه داشته باشد ولی با تکیه بر قدرت الهی.
- ۵- قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب.
- ۶- ترویج شعار فرزند بیشتر، آینده بهتر.
- ۷- بازنگری و تجدید نظر در قوانین مرتبط با اشتغال زنان از جمله قانون کار.
- ۸- داشتن تمهیدات ویژه و حمایت مالی برای زوجین نابارور.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، (۱۳۸۰). تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، من لایحضر الفقیه، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم. قم: موسسه نشر الاسلامی
- ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۷۴)، اسلام و تنظیم خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- بازرگان، عباس - سرمد، زهره، (۱۳۷۶)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی.
- جعفریان، رسول، (۱۴۲۸)، رسائل حجابه، جلد ۱، قم: دلیل ما.
- جمعی از محققان، (۱۳۸۹)، فرهنگ نامه اصول الفقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جمعی از مولفان، (بی تا)، مجله فقه اهل بیت (بالعربیة)، جلد ۲۱ و ۲۳، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳)، تسنیم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، تسنیم، قم: اسراء.
- چراغی کویانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، خانواده، اسلام و فمینیسم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: بی نا
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، (۱۴۲۹ق)، رساله نکاحیه کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد: موسسه ترجمه (نشر دوره علوم و معارف اسلامی).
- حکمت نیا، محمود، (۱۳۹۰)، حقوق زن و خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۶ق)، کتاب الطهاره، قم: حکمت.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دلاور، علی، (۱۳۷۴)، مبانی نظری و علمی پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر کتاب.
- رهبری، حسن، (۱۳۸۱)، اسلام و ساماندهی جمعیت، قم: چاپ اول، موسسه بوستان کتاب.
- سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد جعفر امامی، تهران: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).
- شبییری زنجانی، سید موسی، (۱۴۲۸ق)، المسائل الشرعیه، قم: نشر الفقاهه.
- شبییری زنجانی، سیدموسی، (۱۳۸۲)، نکاح، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
- شریف قریشی، باقر، (۱۳۶۲)، نظام تربیت اسلام، تهران: فجر.

- صادقی، مریم، (۱۳۸۸)، تنظیم خانواده، مجله ندای صادق، سال نهم، ش ۳۶، صفحات ۱۷۶ - ۱۵۳.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، الفتاوی الواضحه وفقا المذهب اهل بیت (ع)، لبنان: دارالتعارف المطبوعات
- صدر، سید محمد باقر، (بی‌تا)، بحوث فی علم الاصول، تقریرات محمود حسینی شاهرودی، چاپ سوم، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ق)، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، بی جا: الفقاهه .
- علایی نوین، فروزان آل رسول، (۱۳۹۳)، باز پژوهی رویکرد های فقهی در مباحث کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، فصل نامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۷، صفحات ۱۵۱ - ۱۳۵.
- کتابی، احمد، (۱۳۶۴)، نظریات جمعیت شناسی، تهران: اقبال .
- کتابی، احمد، (۱۳۷۰)، نظریات جامعه شناسی، چاپ سوم، تهران: اقبال .
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۹ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلاتری، صمد، صادقی، ستار، ده چشمه، (۱۳۸۵)، برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشور های توسعه یافته و در حال توسعه، (۵۵-۵۶) ۱۳۳-۱۴۹ .
- گروه تحقیقات علمی، (۱۳۶۹)، فراماسونری و یهود، تهران: انتشارات علمی.
- مامقانی، عبد الله، (۱۳۸۵)، مقیاس الهادیه، قم: انتشارات دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۹)، فقه پزشکی، چاپ ششم، تهران: سرایش.
- محمودی، رضا (۱۳۸۷)، مقدمات روش تحقیق، تهران: انتشارات بال.
- مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۹۶)، روش فهم حدیث، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان سمت و دانشکده علوم حدیث.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث جلد ۵.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۶)، طوفان فتنه و کشتی بصیرت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ق)، انوار الفقاهه کتاب النکاح، قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب.
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵). پیام امام امیر المؤمنین (ع)، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نادری، عزت الله (۱۳۸۹)، روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات ارسباران
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۸ق)، رجال نجاشی، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- نوری همدانی، حسین، (۱۳۸۲)، کنترل جمعیت، نشریه فقه اهل بیت، ۹ (۳۳)، ۵۱-۲۴.
- درگاه ملی آمار، باروری در ایران، منتشر شده در ۱۴۰۰/۰۶/۱۴، آخرین بازبینی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۵ به نشانی: <https://www.amar.org.ir/portals/0/news/1400/fertility.fathi.pdf>